

آثار صفویه در آذربایجان

از دوران سلطنت صفویه، در آذربایجان نیز، مانند اغلب استانهای ایران، یادگارهای فراوانی به جا مانده است. این یادگارها یا بناهای سنگی و خشتی و آجری هستند نظیر زیارتگاهها، خانقاهها، مدارس، مساجد، بقاع، قلاع و سنگ نبشته ها، و یا آثار هنری منقول اند، از قبیل مرقعات، فرمانها، قطعات مینیاتور، نمونه های تذهیب، نسخ خطی، قالی و سجاده، جنگ افزار، ظروف سفالی و چینی و فلزی، و مصنوعات چوبی و نظیر آنها.

بدیهی است، هنوز، سعی و اقدام کافی و لازم درباره معرفی آنها به عمل نیامده، و مسلماً بدون فحص و شناخت همه این یادگارها، داوری درست درباره جزئیات هنر و دانش، و تمدن و طرز زندگی مردم آن زمان، دشوار بلکه محال خواهد بود.

تنها، تحقیق و شناخت و معرفی خصوصیات طرحهای مختلف به کار رفته در تزیین سکه ها، مهرها، حجاریها، گچ بریها، ظروف، اسلحه، ادوات چوبی، قطعات تذهیب، ضریح ها، صندوقها، قالیها، منابر و درها و پنجره های این دوران، چند سال وقت و یک کتاب سخن لازم دارد.

البته مطالعه آثار باقیمانده از دوران صفویه (در آذربایجان)، تنها به شناخت جنبه هنری آنها منحصر نمی شود، بلکه یکی از وسایل مهم حصول آگاهی از شؤون مختلف جامعه آن روزگار نیز محسوب می گردد. مثلاً مندرجات سنگنبشته منصوب بر دیوار شرقی مسجد جامع تبریز، (۱) سنگنبشته منصوب بر جانب شمالی مدخل مسجد شاه طهماسب (۲)، سنگنبشته منصوب بر دیوار صحن بقعه شیخ

۱- رک به: آثار باستانی آذربایجان، آثار تاریخی شهرستان تبریز، ج ۱، ص ۲۷۸-

۲۸۱، ص ۹۶-۹۷، تبریز، ۱۳۵۱ ش. ۲ - رک به: راهنمای آثار تاریخی

آذربایجان، اسماعیل دیباج، ص ۶۸، تبریز ۱۳۴۳.

صفی الدین اردبیلی (۱)، سنگنبشته منصوب بر سر در مسجد جامع طوج (۲). و سنگنبشته منصوب بر دیوار کفش کن مسجد جامع مراغه (۳)، علاوه بر ارائه پیشرفت هنر خطاطی و حجاری، نشان می‌دهد که از زمان شاه طهماسب تا زمان شاه سلطان حسین، مردم آذربایجان از کثرت عوارض، مالیات، تمغوات، پیشکشی حکام و سایر وجوه پرداختی ناراحت بوده‌اند و شکایات متعدد و متواتر و عکس‌العملهای گوناگون آنها، بارها باعث شده که از طرف سلاطین صفوی فرمانی صادر شود و به موجب آن پاره‌ای از این تمغاها الغاء گردد.

همچنین مندرجات سنگنبشته منصوب بر دیوار صحن بقعه شیخ صفی الدین و سنگنبشته منصوب بر سر در مسجد حسن پادشاه (۴) و سنگنبشته منصوب بر سر در مسجد جامع تبریز (۵) نشان می‌دهد که با وجود معروف بودن دوران اشاعه و ترویج دینانیت و صلاح و تقوی، تباهی اخلاق و ناپاکی عجیبی دامنگیر جامعه آن روزگار بوده، و وجود مراکز فساد و فحش چون بیت اللطف، قمارخانه، چرس فروشی، بوزه فروشی، شرابخانه، بنج‌خانه و معجون‌خانه، که دولت اسلامی صفوی از آنها مالیات و تمغا می‌گرفت، هستی مردم تبریز و اردبیل و مسلماً آبادیهای دیگر آذربایجان را به نابودی تهدید می‌کرد.

همچنین نشان می‌دهد که تفریح متداول و معمول مردم شهرهای آذربایجان در آن زمان کبوترپرانی، گرگ‌دوانی، تربیت‌گاو و قوج و خروس، جهت جنگ و مبارزه باهم بوده که غالباً صاحبان آنها نیز پس از مبارزه حیوانات، مانند گرگ و سگ به جان همدیگر می‌افتاده‌اند.

گرچه در این سنگنبشته‌ها، چند تن از شاهان صفوی مردم را به ترك آن عادات زشت امر نموده‌اند، و از عوارض ارتکاب بد آنها بیم داده‌اند، اما می‌بینیم که

- ۳- آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۵۴۶ - ۵۴۸. ۴- این سنگنبشته اکنون به دیوار مسجد کوچکی که در جوار مسجد جامع ساخته شده نصب گردیده است.
- ۵- آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۳۳۷ - ۳۳۹. ۶- همان کتاب، ص ۲۷۲ - ۲۷۶.

تا زمان شاه سلطان حسین صفوی، این انحطاط اخلاق، و این خانه‌های فساد، بر همان بنیاد باقی بوده و گردانندگان این مراکز، به حکومت وقت، تمغا و مالیات می‌پرداخته‌اند.

تسلط اجامز و اوباش، حتی عساکر دولتی، بر جان و مال و ناموس مردم شهرها نیز از موضوعاتی است که از این سنگنبشته‌ها مستفاد می‌شود. و از مندرجات آنها برمی‌آید که مهمترین وسیله منع و جلوگیری حکومت از متجاوزان و تبهکاران و مرتکبین به اعمال زشت و ناشایست، غالباً متنبه و متوجه ساختن آنان به مضامین آیات شریفه قرآن مجید، و ترسانیدن آنان از عذاب قبر و آتش دوزخ و لعن و نفرین خدا و رسول و ائمه اطهار (ص) بوده، و فقط یکبار، در زمان شاه طهماسب صفوی، مجازات مثبت و شدید در باره اجلاف معمول شده، و چهارصد تن از اشرار و اوباش که در سال تمام، مال و جان و ناموس و زن و بچه مردم را دستخوش هوی و هوس خود ساخته بودند، پس از تظلم مکرر علما و سادات و قضات شهر، به کیفر اعمال خود رسیده‌اند. (۱)

سنگنبشته‌های متعدد دیگری نیز بر سر در و دیوار عده‌ای از مساجد و بقاع و مقابر و مزارات تبریز و آبادیهای دیگر آذر بایجان وجود دارد که نشان می‌دهد

۱ - چهارصد تن از اجلاف شهر قریب دو سال، با بی‌پروائی تمام مال و جان و زن و بچه مردم را دستخوش تجاوز و تعدی قرار می‌دهند، امن و امان شهر را سلب می‌کنند، شاه طهماسب حاکم شهر را عوض می‌کند، یوسف بیگک استاد جلو را به حکومت تبریز منصوب می‌سازد، اوباش شهر به او بی‌اعتنائی می‌کنند، برجسارت خود می‌افزایند، چند تن از یاران او را از پای درمی‌آورند، حاکم خانه نشین می‌شود، علما و سادات و قضات به شاه ملتجی می‌گردند، شاه سهراب بیگک را با عده‌ای سپاهی به کمک حاکم می‌فرستد، سپاهیان دولتی در میدان صاحب آباد تبریز با اشرار رو به رو می‌شوند، صد و پنجاه تن از اشرار کشته می‌شوند، رئیس آنان، پهلوان یاری و دو تن از یارانش به نام پهلوان عوض و علای حسن‌جان به خانه سهراب بیگک پناه می‌برند و او به مال زیاد تطمیع می‌کنند. سهراب-بیگک حاکم شهر، با لطایف حیل آن سه تن را از وی تحویل می‌گیرد و پس از کشتن آنان سرهایشان را در میدان صاحب آباد به دار می‌زند و بدین طریق آتش فتنه برای اندک مدتی فرو می‌نشیند. (به تلخیص و تغییر عبارت از ص ۴۵۵ - ۴۵۸ احسن التواریخ، حسن بیگک روملو، بارودا ۱۹۳۱ م.)

آثار صفوی در تبریز

اغلب آنها یا در دوران صفویه بنا گردیده‌اند و یا تجدید بنا و مرمت یافته‌اند. مسجد ظهیریّه تبریز، مسجد پایتخت اسکو، مسجد محراب آذر شهر، مسجد مهر آباد بناب، مسجد ملا رستم مراغه، بقعه پیر حیدر سوسیان، بقعه ابواسحق، خانقاه هریس، مسجد جامع اهر، و مسجد لیل آباد خسرو شاه از این شمارند. خسرو شاه در ۳۰ کیلومتری تبریز، سر راه آذرشهر واقع شده است. شهر کی است از بخش اسکو، نامش از قرن پنجم هجری در تواریخ و کتب رجال و مسالك و ممالك ذکر گردیده، یاد کارهای فراوانی از دوران سالاریان و دیلمیان دارد. دانشمندان و فقه‌های بزرگی از آن برخاسته‌اند، قبر ابوعلی حمزه بن شیخ عبدالعزیز سلار (متوفی در ۴۴۸ ه. ق) در آن جاست. اهالی محل بنای این شهرک را از خسرو پرویز می‌دانند اما بعید نیست نام این شهرک، با نام خسرو شاه دیلمی ارتباطی داشته باشد. (۱)

۱ - برای استحضار کامل رک به: آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ماده خسرو شاه

به هر حال ، مسجد لیل آباد بنای ناشناخته جالبی است از دوران صفویه ، که در بین باغهای بیرون محله لیل آباد خسرو شاه قرار گرفته است . ۸ متر عرض و ۱۱ متر طول دارد . چهارستون چوبی خوش قطر . سقف آن را نگهداشته است . گچبری بدیعی دور تا دور مسجد را مانند کمر بند زرینی زینت بخشیده است . جوانب محراب مقرنس مسجد نیز از همین زینت بهره مند است . چند گل شش پر متشکل از شش کلمه « یا جلیل » و دو ترنج محیط بر کلمه « یا علی » زینت جوانب محراب را تکمیل می کند .

مردم خسرو شاه ، این مسجد را « یازیلی مسجد » می گویند . « یازیلی » در ترکی آذری به معنی « نوشته دار » است . و این نام به آن جهت به مسجد لیل آبادی داده شده که تمام سقف آن پوشیده از « نوشته » است . و این نوشته ها عبارتند از ماده تاریخ بنا ، آیات و احادیث ، و ابیات و اشعار پند آمیز و عبرت انگیز ، به زبان عربی و فارسی .

ماده تاریخ بنا ، در بالای گوشه غربی بنا نوشته شده و مضمون آن ، چنین است : « قد بنی هذا المسجد الجدید فی زمان دولة سلطان سلاطین الزمان ، و اعدل خواقین الدوران ، قانع اساس الجور و الطقیان ، السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ، ابوالنصر ، ابوالفتح ، ابوالغازی ، السلطان شاه سلیمان الصفوی الموسوی ، بهادر خان ، خلد الله ملکه و دولته ، فی شهر رجب المرجب ، سنة تسعین و الف (۱۰۹۰ هـ . ق) » .

پائین تر از آن چند حدیث و پائین تر از آن ها ، این رباعی فارسی درج شده است :

« از یاری خلق بگذر ای مرد خدا یاری طلب از کسی که از روی وفا کار تو تواند که بسازد همه وقت دست تو تواند که بگیرد همه جا »

در ورودی مسجد در جانب شرقی دیوار شمالی واقع شده است ، و سنگنبشته ای به بالای آن نصب گردیده که از مضمون آن برمی آید که حاجی اسد نامی در دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی ، این مسجد را بنا کرده و نصف سهام قنات نوده جوین

وفقات کمال را به این مسجد وقف کرده و شرط نموده است که کسی حق ندارد این فئات را بفروشد یا به رهن بگذارد، ضمناً رقم سنگنبشته چنین است: « سعی فیه محمد سعید، کتبه محمد حسین الحسینی ».

فراموش نشود که بنای این مسجد باخشت خام صورت گرفته و عرض دیوارهای آن در همه جا قریب هشتاد سانتیمتر است. داخل مسجد پوشش گچی و بیرون آن پوشش کاه و گل دارد، و مسجد هنوز هیأت نخستین خود را به خوبی حفظ کرده است، و جای آن دارد که مورد عنایت انجمن آثار ملی، و سازمان حفاظت آثار باستانی و وزارت فرهنگ و هنر قرار بگیرد، و بندل توجهی شود که این بنای باستانی که به نوبه خود شیوه جالب و شاید منحصر به فردی دارد، از بین نرود.

بحث ما، بدون اراده، تقریباً به سنگنبشته های دوره صفویه و خلاصه مضامین باره ای از آنها اختصاص یافت، و ضیق مجال اجازه پرداختن به سایر آثار هنری آن دوران را نداد، اینک ناچار یاد آور می شوم که اولاً مطالعه سنگنبشته ها و الواح قبور متعلق به همین دوره که در عده ای از گورستانهای تاریخی آذربایجان به جا مانده، خالی از غایت و اهمیت نیست، ثانیاً توجه به سنگنبشته ها هرگز ما را از مراجعه به تاریخ بی نیاز نمی کند، و چه بسا عمارات و بقاع و مساجد با عظمتی هستند که تاریخ بنا و نام بانی آنها روی سنگ و لوحی درج نشده است و شیوه بنا و مصالح ساختمانی آنها به سبک معماری، و نوع مصالح ساختمانی دوره ای پیشین شباهت تمام دارد، فقط تاریخ است که زمان بنای آنها را روشن می کند، مانند بقعه شیخ شهاب الدین عقیقی در اهر، بقعه شیخ امین الدین جبرائیل در کلخوران بقعه شیخ صدر خیای در مشکین و قلعه رشیدیه در تبریز، که تاریخ عالم آرای عباسی تاریخ بنا و مرمت آنها را معین می کند.

اکنون که دانشگاه اصفهان به تحقیق و معرفی تاریخ و فرهنگ صفویه همت گماشته است، توجه به آثار و یادگارهای آن دوران در آذربایجان نیز می تواند کمک مؤثری در رسیدن به این هدف محسوب شود.*

* این خطابه در کنگره ایران شناسی اصفهان خوانده شده.